

وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی شهر تهران با تأکید بر عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن

حسین محمودیان*

مرجان رشوند☆

نیروی انسانی تحصیل کرده از مهم ترین سرمایه های هر کشور در رسیدن به توسعه محسوب می شود. شهر تهران از بالاترین میزان فارغ التحصیلان آموزش عالی کشور برخوردار می باشد. هدف پژوهش، بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی و عوامل جمعیتی اجتماعی مؤثر بر آن است. روش تحقیق تحلیل ثانویه داده های نمونه ۲ درصدی سرشماری ۱۳۸۵ می باشد. جمعیت آماری، کلیه فارغ التحصیلان ۲۰-۳۴ ساله فعال اقتصادی آموزش عالی شهر تهران را در بر می گیرد. وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان مرد نشان داد که بین تمامی متغیرهای جمعیتی (سن، وضعیت تأهل، مهاجرت طول عمر و مهاجرت اخیر) و متغیرهای اجتماعی (سطح تحصیلات و رشته تحصیلی) با متغیر وابسته (اشتغال) رابطه معنی داری وجود دارد. هم چنین تحلیل وضعیت اشتغال زنان نشان داد که به جز سه متغیر مهاجرت اخیر، تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان، بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که متغیرهای جمعیتی درصد بسیار بیشتری از تغییرات اشتغال فارغ التحصیلان را پیش بینی می کنند و در مقایسه با متغیرهای اجتماعی مهم تر هستند. این وضعیت می تواند به حجم زیاد فارغ التحصیلان، کمبود مشاغل، و نابرابری جنسیتی در بازار کار نسبت داده شود.

واژگان کلیدی: اشتغال، آموزش عالی، فارغ التحصیلان آموزش عالی، اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی، ویژگی های جمعیتی و اجتماعی

مقدمه

یکی از مباحث اساسی در زمینه توسعه، میزان بهره گیری درست و منطقی از توانایی ها و استعداد های نیروی انسانی هر جامعه است. به عبارت دیگر، منابع انسانی از مهم ترین عوامل در

hmahmoud@ut.ac.ir

m.rashvand@ut.ac.ir

* دانشیار گروه جمعیت شناسی دانشگاه تهران

☆ دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه تهران

روند توسعه هر جامعه‌ای است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عهده‌دار تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند و امروزه صاحب‌نظران معتقدند دستیابی به توسعه فقط در سایه به‌کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می‌شود. بنابراین، برای قرار گرفتن در مسیر توسعه باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای به‌کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در جامعه پرورش دهند. تجربه کشورهای پیشرفته و صنعتی‌گویی این نکته اصلی و اساسی است که این کشورها در نخستین گام‌های توسعه خود، نگاهی ویژه همراه با برنامه‌ریزی‌های دقیق در رابطه با فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان خود داشته‌اند.

بیکاری فارغ‌التحصیلان یکی از مسائل اساسی جامعه ایران محسوب می‌شود، چراکه می‌تواند به عنوان یک علت تبیین‌گر در برخی از مسائل و مشکلات جامعه نظیر عدم توسعه مطرح باشد. در سال‌های اخیر آموزش عالی در ایران دارای تقاضای زیادی بوده که بر هم خوردن تعادل میان عرضه فارغ‌التحصیلان و تقاضای بازار کار برای جذب فارغ‌التحصیلان یکی از پیامدهای آن محسوب می‌شود. ساختار سنی جوان، نبود فرصت‌های شغلی و ترجیح فرهنگی جامعه به کسب مدارک دانشگاهی از جمله عواملی است که باعث افزایش تقاضا برای آموزش عالی شده است. از طرف دیگر افزایش تقاضا برای آموزش عالی باعث شده است که شاهد افزایش تشکیل دوره‌هایی نظیر شبانه، غیرانتفاعی، آزاد و غیرحضوری برای پاسخ‌گویی به تقاضا باشیم. هرچند وجود این دوره‌ها به معنای تربیت کیفی نیروهای متخصص مورد نیاز بخش‌های جامعه نیست، اما بالا رفتن توقع دارندگان مدرک در تن دادن به شغل یکی از نتایج آن محسوب می‌شود.

شهر تهران به دلایلی از جمله مادرشهر و پایتخت بودن، به مرکز سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تجاری کشور تبدیل شده است. این امر موجب شده است که این شهر اغلب امکانات آموزشی، فرهنگی، تفریحی و به‌ویژه اقتصادی و معیشتی کشور را به خود اختصاص دهد. توزیع نابرابر امکانات و منابع آموزشی بین تهران و سایر نواحی کشور، موجب گردیده فارغ‌التحصیلان بیشتری در شهر تهران حضور داشته باشند. بر این اساس مهم‌ترین دلیل انتخاب شهر تهران به عنوان جامعه آماری تحقیق، بالا بودن تعداد دانشگاه‌ها و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در مقایسه با سایر شهرها بوده است.

طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ ذخیره بیکاران با مدرک دانشگاهی با رشد متوسط سالانه ۲۰ درصد از ۵۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳۷۳ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است که بیانگر افزایش بیش از ۵ برابری در ذخیره بیکاری این گروه از بیکاران است. این در حالی است که

متوسط رشد ذخیرهٔ بیکاران کل کشور در این دورهٔ سالانه ۱۴ درصد بوده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این پرسش که چرا علی‌رغم صرف هزینه‌های بالا در تربیت نیروهای متخصص شاهد بیکاری آنان هستیم نقطهٔ آغاز این مطالعه است و این مقاله بر آن است تا با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ تأثیر عوامل جمعیتی و اجتماعی را بر وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی شهر تهران مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش و چارچوب تحقیق

برای تبیین موضوع پژوهش از نظریهٔ سرمایه انسانی، انتخاب عقلانی و نظریهٔ جدال تحت عنوان نظریات مرتبط با سرمایه انسانی بهره گرفته شده است. علاوه بر آن از نظریهٔ نقش، نظریه پارسونز، نظریات طرفداران حقوق اجتماعی زنان تحت عنوان نظریات تبیین‌کنندهٔ جنسیتی استفاده شده است. در ذیل به بررسی نظریات ذکر شده و ارتباط آن با موضوع تحقیق پرداخته خواهد شد.

نظریه‌های مرتبط با سرمایه انسانی

مطابق نظریهٔ سرمایه انسانی^۱ اختلاف سطح دستمزدها به عنوان یکی از فاکتورهای اساسی در تصمیم‌گیری فردی افراد در بازار کار ناشی از دو عامل می‌تواند باشد، اختلاف بین کارهایی که صورت می‌گیرد و دیگری اختلاف بین افرادی که به انجام کار می‌پردازند. به عبارت دیگر افراد دخیل در بازار کار از نظر توانایی انجام کار یکسان نیستند و لذا ارزش پیامد و محصول کار و به تبع آن سطح دستمزد آنان متفاوت می‌باشد. تحصیلات، رشته تحصیلی، تجربهٔ کاری و سلامت جسمانی افراد همگی از مصادیق سرمایه انسانی به شمار می‌روند. مطالعات بسیاری در نتایج تحقیق خود دریافته‌اند که عامل تعیین‌کننده در وضعیت بازار کار تحصیل‌کرده‌ها، ویژگی‌های شخصی آنان از جمله سطح تحصیلات و رشتهٔ تحصیلی است (کیالاشکی ۱۳۷۲؛ علیزاده ۱۳۷۵؛ مختاری پور و سیادت ۱۳۸۶؛ میلر^۲ ۱۹۹۸؛ هاشیموتو^۳ ۱۹۹۹).

هم‌چنین این نظریه با در نظر گرفتن مهارت و تخصص نیروی انسانی به عنوان کالایی قابل عرضه و مبادله در بازار به تحلیل مهاجرت می‌پردازد و معتقد است که نیروی انسانی ماهر و متخصص برای کسب دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. بنابراین تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۰). هم‌چنین تودارو (۱۳۸۳) بیان

1. Human Capital Theory

2. Miller

3. Hashimoto

می‌کند که رابطهٔ روشنی بین سطح کامل شده تحصیل و میل به مهاجرت وجود دارد. به عبارت دیگر با فرض این‌که کلیهٔ عوامل دیگر برابر باشد، پیش‌بینی می‌گردد افرادی که تحصیلات بالاتری دارند احتمال بیشتری دارد که مهاجرت کنند تا آنان که تحصیلات پایین‌تری دارند. مطالعهٔ کوینلان^۱ در هند (۲۰۰۵) نشان داد افراد با تحصیلات بیشتر برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر اقتصادی، آموزشی و... احتمال بیشتری دارد که مهاجرت کنند.

نظریهٔ انتخاب عقلانی^۲ بر مفهوم کنشگران هدف‌دار و نیت‌مند تأکید دارد. از منظر این دیدگاه، کنشگران دارای ترجیحات ارزشی هستند. آن‌ها برای به دست آوردن نتایج که دارای سلسله‌مراتب می‌باشند، عمل می‌کنند. به‌طور کلی، نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی دربارهٔ این‌که ترجیحات چه هستند و از کجا اخذ می‌شوند، توضیح چندانی نمی‌دهند. در انتخاب عقلانی دو نوع محدودیت وجود دارد: محدودیت‌های فرصتی و محدودیت‌های سازمانی. همهٔ افراد فرصت مساوی برای انتخاب ندارند، زیرا قیمت‌هایی که افراد باید برای به دست آوردن فرصت‌های مختلف پردازند، متفاوت است. در این صورت فرصت برای عده‌ای موجب محدودیت انتخاب می‌گردد. مثلاً کسی که قصد دارد شغل بهتری انتخاب کند تا از نتایج آن شغل بهرهٔ بیشتری ببرد، باید دارای سطح تحصیلات بالاتری باشد. فقدان این شرایط به منزلهٔ عدم دستیابی به فرصت‌های انتخاب شغل بهتر و در نتیجه فقدان سودمندی از زندگی بهتر خواهد بود. از طرف دیگر، محدودیت‌های سازمانی در انتخاب عقلانی نیز وجود دارد. هر فردی از تولد تا مرگ با محدودیت‌هایی روبه‌روست که از طریق هنجارها، ارزش‌ها، نظام سیاسی و اجتماعی، مدرسه، دوستان، کلیسا و مسجد، پلیس و موارد مشابه بر او تحمیل می‌شوند. در این صورت تنوع نتایج به‌طور منطقی به تنوع در ترجیحات، فرصت‌ها و محدودیت‌های نهادی وابستگی دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۲۹۹). بر این اساس می‌توان اذعان داشت که نظریهٔ انتخاب عقلانی با تأکید بر دو نوع محدودیت (سازمانی و فرصتی) بیان می‌کند که همهٔ افراد فرصت‌های مساوی برای انتخاب ندارند. چرا که افراد قیمت‌های متفاوتی در به دست آوردن فرصت‌های مختلف می‌پردازند. این‌که افراد چه تحصیلاتی دارند، چه رشتهٔ تحصیلی را دنبال کرده‌اند و در چه وضع تأهلی به سر می‌برند، نیز نوعی انتخاب است. از این رو می‌توان فرض کرد که بین سطح تحصیلات، رشتهٔ تحصیلی و وضع تأهل افراد فارغ‌التحصیل و وضعیت اشتغال آنان رابطه وجود داشته باشد.

بر اساس نظریهٔ کشمکش^۳، اساس جامعه بر تمایز و توزیع نابرابر منابع قدرت نشأت گرفته است و افراد مختلف سعی می‌کنند تا با دستیابی به این منابع محدود موقعیت خود را در جامعه

1. Quinlan

2. Rational Choice Theory

3. Conflict Theory

ارتقا بخشند. در شرایطی که فرصت‌های شغلی در جامعه محدود و میزان عرضه نیروی کار بالا باشد مدرک تحصیلی به عنوان یکی از عوامل گزینش نیرو خاصه در بخش دولتی نمود پیدا می‌کند. به عبارت دیگر کارفرمایان با تصور این‌که افراد دارای مدرک، قدرت عرضه کالاها و خدمات بیشتری را دارند، استعداد فراگیری آموزش‌های ضمن کار آنان بیشتر است و در نتیجه هزینه آموزش آنان کمتر است نیروی کار خود را انتخاب می‌کنند (محمدخانی، ۱۳۸۲: ۳۳). نظریه جدال با تأکید بر سرمایه انسانی، تأثیر متغیر تحصیلات را بر اشتغال مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح تحصیلات احتمال اشتغال افراد افزایش می‌یابد.

نظریه‌های مرتبط با جنسیت

بر طبق نظریه نقش، افراد به عنوان بازیگر در جامعه موقعیت‌هایی را اشغال نموده و در حال ایفای نقش‌هایی هستند که بر عهده دارند. بر این اساس افراد به واسطه هنجارهای اجتماعی، تقاضاها، انتظارات، رفتار و نقش دیگران و نیز بر اساس استعداد و شخصیت خود در صحنه بازی حاضر می‌شوند. از منظر نظریه نقش، خانواده، گروه‌های غیررسمی، گروه‌های رسمی، گروه‌های مدرسه، سازمان‌ها، اجتماعات و جوامع تعیین‌کننده نقش افراد است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۳۲۱-۳۲۴). نقشی که هر فرهنگ برای جنس زن و مرد در جامعه تعیین می‌کند، به دلیل تأثیر اجتماعی، خودباوری او را در اجرای نقش تقویت می‌کند. پرواضح است عدم تأیید اجتماعی نقش‌های جدید جنسیتی از سوی جامعه، که از رسومات فرهنگی و دیدگاه‌های سنتی حاکم ناشی می‌شود، خودباوری آن جنس را تضعیف می‌کند و نقش وی را در بالفعل کردن توانایی‌هایش به تعویق می‌اندازد و یا مانع بالفعل کردن آن‌ها می‌شود (امینی، ۱۳۸۳: ۳). هم‌چنین گود^۱ و مرتون^۲ که از طرفداران نظریات نقش هستند معتقدند که افراد در روابط نقشی مختلفی که مسئولیت‌ها و تعهدات متفاوت و حتی متناقضی به آن‌ها اعمال می‌کنند با حالات تعارض‌آمیز الزامات نقش مواجه می‌گردند. در نتیجه عدم تأیید اجتماعی نقش‌های جدید جنسیتی از سوی جامعه، مانع بالفعل کردن توانایی‌ها و استعدادها می‌شود.

طبق نظریه پارسونز نوگرایی به‌طور کلی شامل تفکیک فرایند جنسیتی است. نوگرایی به عنوان یک مفهوم تکاملی، به دنبال افزایش تفکیک اجتماعی افراد برحسب جنس است (مصفا، ۱۳۷۵: ۸۳). نوگرایی به‌طور کلی تفکیک بین نقش‌های مرد و زن را نه تنها در محیط عمومی، بلکه در خانواده و زندگی خصوصی تغییر می‌دهد. به نظر پارسونز نقش‌های زن و مرد در ابتدا از

1. Goode

2. Merton

یکدیگر جدا و سپس مکمل هم درک می‌شوند. این دیدگاه در این فرایند به تخصصی شدن نقش‌ها معتقد است (مصفا، ۱۳۷۵: ۸۴).

علاوه بر نظریه نقش و نظریه پارسونز، نظریات فمینیستی نیز تبیین‌کننده تفاوت‌های جنسیتی افراد است. آن‌چه که توسط نظریه‌های فمینیستی به عنوان نکته اصلی مطرح می‌شود، این است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. یک موضوع کلیدی در این نظریات، کار خانگی به خصوص مراقبت کودک مختص زنان است. این نظریه تأکید می‌کند که گرایش به مشاغل زنانه انعکاسی از نقش خانگی زنان نظیر آموزگاری، پرستاری، نظافت و پذیرایی است و همان‌طور که در بیشتر جوامع کار خانگی زن‌ها کم‌ارزش‌تر شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم‌ارزش می‌باشند (گلستانی، ۱۳۸۹: ۵۰).

در مجموع با توجه به نظریه نقش، نظریه پارسونز و نظریات فمینیستی می‌توان گفت نقشی که هر فرد در جامعه ایفا می‌کند تا اندازه زیادی ناشی از جنسیت وی بوده و تابع تعریفی است که هنجارهای اجتماعی، تقاضاها و انتظارات جامعه از هر جنس دارد. بنابراین می‌توان گفت جنسیت می‌تواند یک عامل اثرگذار در وضعیت افراد از جمله احتمال اشتغال آنان در فعالیت‌های اقتصادی جامعه باشد.

در تحقیق حاضر - همان‌طور که گفته شد - هر کدام از نظریات مطرح شده قسمتی از متغیرهای تحقیق را تبیین می‌کند. بر این اساس با توجه به نظریات ارائه شده، چارچوب تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد.

متغیرهای جمعیتی پژوهش شامل جنس، سن، وضع تأهل، مهاجرت طول عمر^۱، مهاجرت اخیر^۲ بوده و انتظار می‌رود بین اشتغال فارغ‌التحصیلان با متغیرهای جمعیتی ذکر شده ارتباط وجود داشته باشد لازم به ذکر است با توجه به این‌که تعداد قابل توجهی از جمعیت نمونه تحقیق را زنان تشکیل داده‌اند، بنابراین تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان در حال حاضر زنده نیز به عنوان فرضیات تحقیق در حوزه عوامل جمعیتی در نظر گرفته شده است که صرفاً مربوط به نمونه زنان است.

در حوزه عوامل اجتماعی سطح تحصیلات و رشته تحصیلی می‌تواند به عنوان متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، اثرگذار باشد. بر این اساس، هر قدر میزان تحصیلات افراد بالاتر باشد، احتمال اشتغال آن‌ها بیشتر خواهد بود. هم‌چنین به نظر می‌رسد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف از سطح اشتغال متفاوتی برخوردار باشند.

1. Lifetime Migration

۲. مهاجرت طی ده سال گذشته (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) به عنوان مهاجرت اخیر در نظر گرفته شده است.

نظریاتی هم‌چون نقش، پارسونز و نظریات فمینیستی بر متغیر جنس به عنوان یک عامل اثرگذار در اشتغال افراد تأکید نموده‌اند. برای مثال پارسونز معتقد است که در ابتدا نقش‌های زن و مرد از یکدیگر جدا و سپس مکمل هم درک می‌شوند. این دیدگاه به تخصصی شدن نقش‌ها معتقد است. مطالعات مختلفی از جمله کولیک^۱ (۲۰۰۰) و کاسپی^۲ و دیگران (۱۹۹۸) به تأثیر سن در اشتغال افراد پرداخته‌اند و عنوان کرده‌اند که سن به عنوان یکی از ویژگی‌های فردی تأثیر زیادی در اشتغال افراد دارد به طوری که زنان جوان‌تر زمان بیشتری برای جست و جوی کار می‌گذرانند. مطابق نظریات مرتبط با سرمایه انسانی افراد ویژگی‌های فردی متفاوتی دارند (سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، وضعیت تأهل و ...) که بنا بر آن موقعیت‌ها و فرصت‌های مساوی برای انتخاب ندارند، چراکه افراد در سطوح اجتماعی متفاوت، هزینه‌های مختلفی را در به دست آوردن فرصت‌ها می‌پردازند.

تودارو بیان می‌کند که رابطه روشنی بین سطح کامل شده تحصیل و میل به مهاجرت وجود دارد. به عبارت دیگر با فرض این‌که کلیه عوامل دیگر برابر باشد آنان که تحصیلات بالاتری دارند احتمال بیشتری دارد که مهاجرت کنند تا آنان که تحصیلات پایین‌تری دارند.

نظریه نقش‌ها، نظریه پارسونز و نیز نظریات فمینیستی که در این تحقیق به عنوان نظریات جنسیتی مطرح شده‌اند، بر متغیر فرزندآوری به عنوان یک عامل اثرگذار در اشتغال زنان اشاره دارند. در مجموع این نظریات موقعیت زنان در بازار کار و در خانه را در ارتباط با هم دانسته و کار خانگی به خصوص مراقبت کودک را جزو نقش‌های اصلی زنان می‌دانند. علاوه بر آن عدم تأیید اجتماعی نقش‌های جدید جنسیتی از سوی جامعه، مانع بالفعل کردن توانایی‌ها و استعداد‌های فرد می‌شود.

روش تحقیق و داده‌ها

در این مطالعه از روش تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری برای بررسی موضوع تحقیق استفاده شده است. هم‌چنین برای بررسی موضوع از ۲ درصد داده‌های خام سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ بهره گرفته شده است.

با در نظر گرفتن متغیر وابسته تحقیق (میزان اشتغال) و متغیرهای مستقل (جنس، سن، وضعیت تأهل، مهاجرت طول عمر، مهاجرت اخیر، داشتن فرزند، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی) و حذف کدهای غیرمعتبر^۳، تعداد فارغ‌التحصیلان ۲۰-۳۴ ساله

1. Kulik

2. Caspi

۳. کدهای غیرمعتبر شامل اظهارنشده‌ها و سایرین در برخی متغیرها که با کدهای منفی و ناهم‌جور با سایر کدها مشخص شده‌اند، می‌باشد.

دانشگاهی شهر تهران برابر با ۳۹۸۱ نفر است که از این تعداد ۲۸۹۴ نفر جزء جمعیت فعال و ۱۰۸۷ نفر جزء جمعیت غیرفعال هستند. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه فارغ‌التحصیلان ۲۰-۳۴ ساله فعال اقتصادی آموزش عالی شهر تهران است که از تعداد ۱۶۴۲ نفر (۷/۵۶ درصد) مرد و ۱۲۵۲ نفر (۳/۴۳ درصد) زن می‌باشند. هم‌چنین از ۲۸۹۴ نفر جمعیت فعال ۲۴۷۰ نفر شاغل (۳/۸۵ درصد) و ۴۲۴ نفر بیکار بوده‌اند. (۷/۱۴)

یافته‌های تحقیق

در این قسمت ابتدا روند اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی طی سال‌های ۱۳۸۵-۶۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد سپس به بررسی ویژگی‌های نمونه تحقیق و وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان پرداخته می‌شود و در نهایت به تحلیل نتایج چندمتغیره خواهیم پرداخت. جدول ۱ توزیع درصد فارغ‌التحصیلان آموزش عالی شاغل کل کشور، استان تهران، شهرستان تهران و نقاط شهری شهرستان تهران را طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱. درصد شاغلین در بین جمعیت فعال فارغ‌التحصیل آموزش عالی کل کشور، استان، شهرستان و نقاط شهری شهرستان تهران طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵

	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل کشور	۸۴/۶	۹۳/۵	۸۹/۹
استان تهران	۷۱/۴	۸۵/۲	۹۳/۴
شهرستان تهران	۷۰/۲	۸۲/۶	۹۳/۷
نقاط شهری شهرستان تهران	۷۰/۲	۸۲/۶	۹۳/۷

منبع: مرکز آمار ایران

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد در سال ۱۳۶۵ حدود ۸۵ درصد از جمعیت فارغ‌التحصیل فعال کل کشور، شاغل هستند، این در حالی است که کمتر از ۷۱ درصد فارغ‌التحصیلان فعال شهرستان و نقاط شهری شهرستان تهران شاغل بوده‌اند. در سال ۱۳۷۵ حدود ۹۴ درصد از فارغ‌التحصیلان فعال کل کشور، بیش از ۸۵ درصد فارغ‌التحصیلان فعال استان تهران و بیش از ۸۲ درصد فارغ‌التحصیلان فعال شهرستان و نقاط شهری شهرستان تهران شاغل بوده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر چقدر از مقیاس کلان (کشور) به مقیاس جزئی (استان، شهرستان و نقاط شهری شهرستان تهران) می‌آییم از تعداد شاغلین فارغ‌التحصیل آموزش عالی کاسته می‌شود.

در سال ۱۳۸۵ حدود ۹۰ درصد از فارغ‌التحصیلان فعال کل کشور، بیش از ۹۳ درصد فارغ‌التحصیلان فعال استان تهران و حدود ۹۴ درصد از فارغ‌التحصیلان فعال شهرستان و نقاط شهری شهرستان تهران شاغل بوده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بر خلاف سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ هر چقدر از مقیاس کلان به مقیاس جزئی می‌آییم به تعداد شاغلین فارغ‌التحصیل آموزش عالی افزوده می‌شود. به عبارت دیگر فارغ‌التحصیلان فعال شهرستان و نقاط شهری شهرستان تهران به لحاظ اشتغال وضعیت بهتری را نسبت به فارغ‌التحصیلان فعال کل کشور دارند. چراکه شهرستان و به‌طور خاص شهر تهران به دلایلی از جمله مادرشهر و پایتخت بودن، به مرکز سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تجاری کشور تبدیل شده است. این امر موجب شده است که این شهر اغلب امکانات آموزشی، فرهنگی، تفریحی و به‌ویژه اقتصادی و معیشتی کشور را به خود اختصاص دهد.

ویژگی‌های نمونه تحقیق

جدول ۲ توزیع نسبی نمونه‌ها بر حسب متغیرهای منتخب را به تفکیک جنس نشان می‌دهد. از مجموع کل پاسخ‌گویان مورد مطالعه بیش از ۴۵ درصد بین ۲۵-۲۹ سال و کمتر از ۱۶ درصد بین ۲۰-۲۴ سال سن داشته‌اند. به لحاظ وضع تأهل حدود ۵۵ درصد فارغ‌التحصیلان دارای همسر و بیش از ۴۴ درصد آنان هرگز ازدواج نکرده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود فارغ‌التحصیلان زن هرگز ازدواج نکرده بیش از فارغ‌التحصیلان مرد هرگز ازدواج نکرده هستند. هم‌چنین فارغ‌التحصیلان زن هرگز ازدواج نکرده بیش از فارغ‌التحصیلان زن دارای همسر می‌باشند. فارغ‌التحصیلانی که بدون همسر بر اثر فوت همسر هستند تنها ۴ نفر از کل جامعه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به قلت تعداد، این فارغ‌التحصیلان در تحلیل وارد نشدند.

از نظر سطح تحصیلات بیش از ۶۶ درصد جمعیت مورد مطالعه دارای تحصیلات کارشناسی و حدود ۲۲ درصد دارای تحصیلات کاردانی بوده و فقط ۳/۱ درصد دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند. به لحاظ رشته تحصیلی بیشترین تعداد جمعیت مورد مطالعه در رشته تحصیلی مهندسی، تولید و ساخت (۳۵/۲ درصد) و بعد از آن علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق (۲۶/۴ درصد) فارغ‌التحصیل شده‌اند، و کمترین تعداد فارغ‌التحصیل را در رشته خدمات (۲/۱ درصد) داشته‌ایم. در مورد مردان بیشترین تعداد فارغ‌التحصیل در رشته مهندسی، تولید و ساخت (۴۸/۸ درصد) و کمترین تعداد فارغ‌التحصیل در رشته تحصیلی علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق (۲۸/۸ درصد) و کمتر در رشته تحصیلی کشاورزی و دامپزشکی (۱/۱ درصد) فارغ‌التحصیل شده‌اند.

جدول ۲. توزیع نسبی نمونه‌ها بر حسب متغیرهای منتخب به تفکیک جنس

کل		زنان		مردان		متغیرهای مستقل	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱۵/۶	۴۵۱	۱۸/۲	۲۲۸	۱۳/۶	۲۲۳	۲۰-۲۴ ساله	سن
۴۵/۶	۱۳۱۹	۴۶/۳	۵۸۰	۴۵/۰	۷۳۹	۲۵-۲۹ ساله	
۳۸/۸	۱۱۲۴	۳۵/۵	۴۴۴	۴۱/۴	۶۸۰	۳۰-۳۴ ساله	
۵۴/۵	۱۵۴۰	۴۸/۶	۵۸۷	۵۸/۹	۹۵۳	همسر دار	وضعیت تاهل
۱/۴	۳۹	۱/۷	۲۰	۱/۲	۱۹	بی همسر بر اثر طلاق	
۴۴/۱	۱۳۴۷	۴۹/۷	۶۰۰	۴۰/۰	۶۴۷	هرگز ازدواج نکرده	
۲/۲	۶۴	۳/۴	۴۳	۱/۳	۲۱	بدون پاسخ	سطح تحصیلات
۲/۱/۸	۶۳۱	۱۹/۵	۲۴۴	۲۳/۶	۳۸۷	کار دانی	
۶۶/۶	۱۹۲۸	۷۲/۰	۹۰۱	۶۲/۵	۱۰۲۷	کارشناسی	
۸/۵	۲۴۵	۵/۶	۷۰	۱۰/۷	۱۷۵	کارشناسی ارشد	رشته تحصیلی
۳/۱	۹۰	۳/۰	۳۷	۳/۲	۵۳	دکتری	
۲/۲	۶۵	۴/۳	۵۵	۰/۶	۱۰	علوم تربیتی	
۱۲/۶	۳۶۶	۱۸/۴	۲۳۰	۸/۳	۱۳۶	علوم انسانی و هنر	وضع شغلی
۲۶/۴	۷۶۲	۲۸/۸	۳۶۱	۲۴/۵	۴۰۳	علوم اجتماعی، بازرگانی و ...	
۸/۵	۲۴۷	۱۳/۱	۱۵۱	۵/۸	۹۶	علوم، ریاضیات و محاسبات	
۳۵/۲	۱۰۱۸	۱۷/۳	۲۱۷	۴۸/۸	۸۰۱	مهندسی، تولید و ساخت	
۳/۱	۹۱	۱/۱	۱۴	۴/۷	۷۷	کشاورزی و دامپزشکی	
۷/۶	۲۲۰	۱۲/۶	۱۵۸	۳/۸	۶۲	بهداشت و رفاه	
۲/۱	۶۲	۲/۳	۲۹	۲/۰	۳۳	خدمات	
۲/۱	۶۱	۳/۰	۳۷	۱/۵	۲۴	بدون پاسخ	
۵/۷	۱۴۱	۱/۶	۱۶	۸/۵	۱۲۵	کارفرما	وضع مهاجرت طول عمر
۷/۷	۱۹۰	۴/۵	۴۵	۹/۸	۱۴۵	کارکن مستقل	
۴۷/۳	۱۱۶۹	۵۰/۹	۵۰۶	۴۴/۹	۶۶۳	مزدو حقوق بگیر بخش عمومی	
۳۷/۴	۹۲۳	۴۰/۷	۴۰۵	۳۵/۱	۵۱۸	مزدو حقوق بگیر بخش خصوصی	
۰/۴	۹	۰/۴	۴	۰/۳	۵	کارکن فامیلی بدون مزد	
۱/۵	۳۸	۱/۹	۱۹	۱/۳	۱۹	بدون پاسخ	مهاجرت اخیر
۶۸/۴	۱۹۸۰	۷۳/۹	۹۲۵	۶۴/۳	۱۰۵۵	بومی	
۳/۱/۶	۹۱۴	۲۶/۱	۳۲۷	۳۵/۷	۵۸۷	مهاجر	
۲۰/۲	۵۸۴	۱۶/۷	۲۰۹	۴۲/۸	۳۷۵	بله	علت مهاجرت
۲۹/۸	۲۳۱۰	۸۳/۳	۱۰۴۳	۷۷/۲	۱۲۶۷	خیر	
۴۲/۲	۲۲۱	۲۲/۶	۴۵	۵۳/۳	۱۸۶	کار	
۲۳/۰	۱۲۶	۲/۶	۴۳	۲۲/۸	۸۳	تحصیل	تجربه فرزندآوری
۴/۷	۲۶	-	-	۷/۴	۲۶	خدمت وظیفه	
۲۴/۸	۱۳۶	۴/۸/۲	۹۶	۱۱/۵	۴۰	بیمروی از خانوار	
۵/۳	۲۹	۷/۵	۱۵	۴/۰	۱۴	سایر	
۵۰/۶	۳۰۸	۵۰/۶	۳۰۸	-	-	ندارد	
۴۷/۸	۲۹۱	۴۷/۸	۲۹۱	-	-	ندارد	تعداد فرزندان
۱/۶	۱۰	۱/۶	۱۰	-	-	بدون پاسخ	
۵۰/۲	۳۰۶	۵۰/۲	۳۰۶	-	-	۰ فرزند	
۳۴/۸	۲۱۲	۳۴/۸	۲۱۲	-	-	۱ فرزند	
۱۲/۳	۷۵	۱۲/۳	۷۵	-	-	۲ فرزند	
۲/۶	۱۶	۲/۶	۱۶	-	-	۳ فرزند و بیش تر	

وضع شغلی شاغلین به این صورت است که، بیش از ۸ درصد مردان به عنوان کارفرما مشغول به کار بوده در صورتی که تنها ۱/۶ درصد زنان در سمت کارفرما مشغول به کار هستند، به عبارت دیگر فارغ التحصیلان مرد بیش از ۵ برابر فارغ التحصیلان زن در سمت کارفرما مشغول به کار می‌باشند. هم‌چنین ۴۵ درصد مردان و ۵۱ درصد زنان در بخش عمومی و بیش از ۳۵ درصد مردان و ۴۱ درصد

زنان در بخش خصوصی مشغول به کار می‌باشند. از نظر گروه‌های عمده فعالیت در مورد مردان بیشتر شاغلین در اداره امور عمومی و تأمین اجتماعی اجباری (۱۸/۴ درصد) و بعد از آن در بخش صنعت (۱۸/۱ درصد) حضور دارند، این در حالی است که بیش از ۲۳ درصد زنان در بخش آموزش و بعد از آن در بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی (۱۴/۰ درصد) حضور دارند. به لحاظ گروه‌های عمده شغلی حدود ۱۳ درصد مردان شاغل در گروه‌های مقامات عالی‌رتبه و مدیران بوده و بیش از ۳۹ درصد به عنوان متخصص مشغول به کار هستند. در حالی که کمتر از ۶ درصد زنان شاغل در پست‌های مدیریتی بوده و بیش از ۵۸ درصد آنان به عنوان متخصص مشغول به کار هستند.

به لحاظ وضع مهاجرت، حدود ۳۲ درصد از کل جمعیت مهاجرت طول عمر داشته‌اند. به عبارت دیگر حدود ۳۲ درصد پاسخ‌گویان محل تولدشان با محلی که در حال حاضر زندگی می‌کنند (شهر تهران) یکسان نیست و مهاجر تلقی می‌شوند این در حالی است که بیش از ۶۸ درصد پاسخ‌گویان بومی هستند. به عبارت دیگر محل تولد بیش از ۶۸ درصد پاسخ‌گویان با محلی که در حال حاضر زندگی می‌کنند یکسان است. بیش از ۶۴ درصد از جمعیت مردان بومی بوده و بیش از ۳۵ درصد آنان مهاجر بوده‌اند. این در حالی است که بیش از ۲۶ درصد زنان مهاجر بوده و مابقی آنان بومی بوده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود مردان بیش از زنان مهاجرت داشته‌اند. مردان بیش از زنان مهاجرت اخیر داشته‌اند. بیش از ۵۳ درصد مردان به دلیل کار و پس از آن به دلیل تحصیل (۲۳/۸ درصد) مهاجرت داشته‌اند، این در حالی است که تنها ۲۲/۶ درصد زنان به دلیل کار و بیش از ۴۸ درصد به دلیل پیروی از خانوار مهاجرت داشته‌اند.

بیش از ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان زن ازدواج کرده، تجربه فرزندآوری داشته و کمتر از ۴۸ درصد آنان تجربه فرزندآوری نداشته‌اند. بیش از ۵۰ درصد زنان در حال حاضر فرزند زنده‌ای نداشته و بیش از ۴۷ درصد آنان دارای یک الی دو فرزند می‌باشند، و میانگین فرزندان در حال حاضر زنده آنان برابر با ۰/۴ است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین فرزندان زنده زنان پایین بوده که خود این امر می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله سطح تحصیلات و حضور در بازار کار باشد.

میزان اشتغال

جدول ۳ وضعیت اشتغال افراد نمونه برحسب متغیرهای منتخب به تفکیک جنس را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، با بالا رفتن سن، مردان و زنان فارغ‌التحصیل وضعیت اشتغال بهتری پیدا کرده‌اند. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این که بین سن فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، به این صورت که با بالا رفتن سن سطح اشتغال افزایش می‌یابد، تأیید می‌گردد.

فارغ‌التحصیلان مردی که دارای همسر هستند بیش از سایر گروه‌ها شاغل می‌باشند در صورتی که

فارغ‌التحصیلان زنی که بی‌همسر بر اثر طلاق هستند بیش از سایر گروه‌ها شاغل هستند، دلیل این امر آن است که افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، با قبول مسئولیت‌های زندگی مجبورند بیشتر از سایر افراد شاغل باشند. بنابراین بین وضع تأهل فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد.

از نظر سطح تحصیلات ملاحظه می‌گردد که مردان با سطح تحصیلات کاردانی دارای کمترین درصد اشتغال (۸۶/۳ درصد) و مردان با تحصیلات دکتری دارای بیشترین درصد اشتغال (۹۶/۲ درصد) می‌باشند، این در حالی است که زنان با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد بیشترین درصد اشتغال (۹۲/۹ درصد) و زنان با سطح تحصیلات کاردانی کمترین درصد اشتغال (۷۶/۶ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد بدین صورت که بین وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات فارغ‌التحصیلان آموزش عالی رابطه معنی‌دار وجود دارد، به طوری که به موازات افزایش سطح تحصیلات، احتمال اشتغال آن‌ها افزایش می‌یابد. به لحاظ رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان مرد شاغل در رشته علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق دارای بالاترین درصد اشتغال (۹۳ درصد) و فارغ‌التحصیلان مرد شاغل در رشته کشاورزی و دامپزشکی دارای پایین‌ترین درصد اشتغال (۷۹ درصد) می‌باشند. در بین شاغلین زن رشته علوم تربیتی دارای بالاترین درصد اشتغال (۹۵ درصد) و شاغلین زن رشته ریاضیات و محاسبات دارای پایین‌ترین درصد اشتغال (۷۵ درصد) می‌باشند. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که بین رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، بدین صورت که فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی از سطح اشتغال کمتری برخوردار هستند، تأیید نمی‌گردد.

از نظر مهاجرت طول عمر افراد مهاجر وضعیت اشتغال بهتری نسبت به افراد بومی دارند. به طوری که حدود ۹۵ درصد مردان مهاجر و ۸۳/۵ درصد زنان مهاجر شاغل می‌باشند. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که بین مهاجرت طول عمر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، به گونه‌ای که افراد مهاجر وضعیت اشتغال بهتری دارند، تأیید می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد مهاجرت طی دهه ۱۳۷۵ به عنوان مهاجرت اخیر در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مردان مهاجر به لحاظ وضعیت اشتغال شرایط بهتری داشته‌اند در صورتی که بین زنان مهاجر و غیرمهاجر شرایط کاری چندان تفاوت نداشته است. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که بین مهاجرت اخیر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، در مورد مردان تأیید شده در صورتی که این فرضیه در مورد زنان تأیید نمی‌گردد. همین‌طور بین علت مهاجرت و وضعیت اشتغال رابطه معنی‌دار وجود دارد، به طوری که فارغ‌التحصیلانی که به دلیل شغل اقدام به مهاجرت کرده‌اند وضعیت اشتغال به مراتب بهتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند.

به لحاظ تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان فارغ‌التحصیلان زن ازدواج کرده و وضعیت اشتغال آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد، بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که بین تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، تأیید نشده است. از جمله دلایلی که می‌توان برای تأیید نشدن فرضیه فوق نام برد این است که در حال حاضر تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان زنان تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلفی است که اشتغال تنها یکی از آنان است. امروزه به دلایل فرهنگی، اقتصادی و ... تفاوت چندانی بین تجربه فرزندآوری زنان شاغل و خانه‌دار وجود ندارد.

جدول ۳. وضعیت اشتغال افراد نمونه برحسب متغیرهای منتخب به تفکیک جنس، شهرستان تهران، ۱۳۸۵

زنان				مردان			
تعداد	میزان اشتغال	متغیرهای مستقل	تعداد	میزان اشتغال	متغیرهای مستقل	تعداد	میزان اشتغال
۲۲۸	۶۱/۰	۲۰-۲۴ ساله	۲۲۲	۷۷/۰	۲۰-۲۴ ساله	۷۲۲	۷۷/۰
۵۸۰	۷۹/۰	۲۵-۲۹ ساله	۷۳۹	۸۸/۰	۲۵-۲۹ ساله	۷۳۹	۸۸/۰
۴۴۴	۹۰/۰	۳۰-۳۴ ساله	۶۸۰	۹۶/۰	۳۰-۳۴ ساله	۶۸۰	۹۶/۰
۵۸۷	۸۹/۳	همسر دار	۹۵۳	۹۶/۵	همسر دار	۹۵۳	۹۶/۵
۲۰	۹۵/۰	بی همسر بر اثر طلاق	۱۹	۹۴/۷	بی همسر بر اثر طلاق	۱۹	۹۴/۷
۶۰۰	۶۹/۸	هرگز ازدواج نکرده	۶۴۷	۸۰/۴	هرگز ازدواج نکرده	۶۴۷	۸۰/۴
۲۴۴	۷۶/۶	کارآموزی	۳۸۷	۸۶/۳	کارآموزی	۳۸۷	۸۶/۳
۹۰۱	۷۸/۸	کارشناسی	۱۰۲۷	۹۰/۷	کارشناسی	۱۰۲۷	۹۰/۷
۷۰	۹۲/۸	کارشناسی ارشد	۱۷۵	۹۰/۳	کارشناسی ارشد	۱۷۵	۹۰/۳
۳۷	۸۹/۲	دکتری	۵۳	۹۶/۲	دکتری	۵۳	۹۶/۲
۵۵	۹۵/۰	علوم تربیتی	۱۰	۹۰/۰	علوم تربیتی	۱۰	۹۰/۰
۲۳۰	۷۷/۰	علوم انسانی و هنر	۱۳۶	۹۰/۰	علوم انسانی و هنر	۱۳۶	۹۰/۰
۳۶۱	۷۸/۰	علوم اجتماعی و ...	۴۰۳	۹۳/۰	علوم اجتماعی و ...	۴۰۳	۹۳/۰
۱۵۱	۷۵/۰	علوم ریاضیات	۹۶	۹۰/۰	علوم ریاضیات	۹۶	۹۰/۰
۲۱۷	۷۸/۰	مهندسی و تولید	۸۰۱	۸۹/۰	مهندسی و تولید	۸۰۱	۸۹/۰
۱۴	۷۹/۰	کشاورزی و دامپزشکی	۷۷	۷۹/۰	کشاورزی و دامپزشکی	۷۷	۷۹/۰
۱۵۸	۸۶/۰	بهداشت و رفاه	۶۲	۸۹/۰	بهداشت و رفاه	۶۲	۸۹/۰
۲۹	۸۳/۰	خدمات	۳۳	۹۱/۰	خدمات	۳۳	۹۱/۰
۹۲۵	۷۸/۱	بومی	۱۰۵۵	۸۷/۱	بومی	۱۰۵۵	۸۷/۱
۳۲۷	۸۳/۵	مهاجر	۵۸۷	۹۴/۷	مهاجر	۵۸۷	۹۴/۷
۲۰۹	۸۰/۹	بنه	۳۷۵	۹۳/۳	بنه	۳۷۵	۹۳/۳
۱۰۴۳	۷۹/۲	خبر	۱۴۶۷	۸۸/۸	خبر	۱۴۶۷	۸۸/۸
۴۵	۹۲/۳	کار	۱۸۶	۹۶/۸	کار	۱۸۶	۹۶/۸
۴۲	۸۱/۴	تحصیل	۸۳	۸۸/۰	تحصیل	۸۳	۸۸/۰
-	-	خدمت وظیفه	۲۶	۹۲/۳	خدمت وظیفه	۲۶	۹۲/۳
۹۶	۷۲/۸	پیروی از خوار	۴۰	۸۲/۵	پیروی از خوار	۴۰	۸۲/۵
۱۵	۸۶/۷	سایر	۱۴	۱۰۰/۰	سایر	۱۴	۱۰۰/۰
۳۰۹	۹۰/۶	دارد	-	-	ن تجربه فرزندآوری	-	-
۲۱۳	۸۸/۲	ندارد	-	-	ندارد	-	-
۳۴۸	۸۵/۹	۰ فرزند	-	-	۰ فرزند	-	-
۲۱۲	۸۹/۳	۱ فرزند	-	-	۱ فرزند	-	-
۷۵	۹۴/۷	۲ فرزند	-	-	۲ فرزند	-	-
۱۷	۹۴/۱	۳ فرزند و بیشتر	-	-	۳ فرزند و بیشتر	-	-
۱۴۶۶	۳۹/۵	جمع	۱۶۷۲	۸۹/۷	جمع	۱۶۷۲	۸۹/۷

●= معنی داری در سطح ۰/۰۵

●●= معنی داری در سطح ۰/۰۱

به منظور تحلیل چندمتغیره عوامل مؤثر بر اشتغال فارغ التحصیلان از روش تحلیل رگرسیون استفاده شده است. تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کلاتری، ۱۳۸۹: ۱۷۱). از آنجا که متغیر وابسته تحقیق (شاغل-بیکار) اسمی دوشقی می‌باشد، لذا در برآورد احتمال تغییرات متغیر وابسته در گروه‌های مختلف متغیرهای مستقل، از رگرسیون لجستیک^۱ استفاده شده است. متغیرهای مستقل مورد استفاده در این تحلیل عبارتند از جنس، سن، وضع تأهل، مهاجرت طول عمر، مهاجرت طی ده سال گذشته، داشتن فرزند، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی. جداول ۴، ۵ و ۶ کسرهای برتری^۲ به دست آمده از رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد.

به منظور رسیدن به هدف نهایی تحقیق که بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی با تأکید بر عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن است، به تفکیک متغیرهای تحقیق در قالب دو مدل؛ «مدل ۱» و «مدل ۲» پرداخته شده است. مدل ۱، در بردارنده متغیرهای جمعیتی شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، مهاجرت طول عمر و مهاجرت اخیر می‌شود. در مدل ۲، علاوه بر متغیرهای جمعیتی، متغیرهای اجتماعی (سطح تحصیلات و رشته تحصیلی) وارد مدل شده و تأثیر هم‌زمان متغیرهای جمعیتی و اجتماعی بر متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفته است.

هم‌چنین نتایج رگرسیون لجستیک در سه مرحله محاسبه شده است. در مرحله اول، رگرسیون برای کل جمعیت (مردان و زنان)، در مرحله دوم برای جمعیت مردان و در مرحله سوم برای جمعیت زنان محاسبه می‌گردد تا بتوان با مقایسه نتایج به تحلیل دقیق‌تری از عوامل مؤثر بر اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی دست یافت.

جدول ۴ احتمال اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی شهر تهران را پیش‌بینی می‌نماید. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در مدل ۱، متغیرهای جمعیتی (جنس، سن، وضعیت تأهل، مهاجرت طول عمر و مهاجرت اخیر) وارد شده‌اند. متغیر جنس و سن و بعضی از سطوح مربوط به متغیر وضع تأهل در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی دار شده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، احتمال اشتغال زنان تقریباً نصف احتمال اشتغال مردان است. هم‌چنین افراد ۲۵-۲۹ ساله ۱/۷ برابر و افراد ۳۰-۳۴ ساله ۳/۷ برابر نسبت به افراد ۲۰-۲۴ ساله احتمال اشتغال بیشتری را دارا می‌باشند. به لحاظ وضع تأهل افراد هرگز ازدواج نکرده ۰/۳ برابر افراد همسر دار احتمال اشتغال دارند. به عبارت دیگر فارغ التحصیلان دارای همسر احتمال

1. Logistic Regression

2. Odds Ratio

اشتغال بیشتری نسبت به فارغ‌التحصیلان هرگز ازدواج نکرده دارند. متغیر مهاجرت طول عمر از نظر آماری ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته دارد، به گونه‌ای که افراد مهاجر ۱/۴ برابر افراد بومی احتمال اشتغال بیشتری را دارا هستند. در مدل ۲، متغیرهای اجتماعی (سطح تحصیلات و رشته تحصیلی) نیز وارد تحلیل شده‌اند، نتایج این مدل حاکی از آن است که بعضی از سطوح مربوط به متغیر رشته تحصیلی در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود افراد در رشته علوم، ریاضیات و محاسبات ۰/۳ برابر و در رشته کشاورزی و دامپزشکی ۰/۲ برابر افراد در رشته علوم تربیتی احتمال اشتغال دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی بیش از فارغ‌التحصیلان رشته‌های مذکور بوده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیونی تأثیر متغیرهای منتخب بر احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی شهر تهران

متغیرهای مستقل	مدل ۱		مدل ۲	
	sig	Ex(B)	sig	Ex(B)
جنس				
مرد(مرجع)				
زن	**	-۰/۴۹	**	-۰/۴۹
سن				
۲۰-۲۴ (مرجع)				
۲۵-۲۹ ساله	**	۱/۷۲	**	۱/۶۷
۳۰-۳۴ ساله	**	۳/۷۵	**	۳/۴۳
وضعیت ناهل				
همسر دار(مرجع)				
بی همسر بر اثر طلاق				
هرگز ازدواج نکرده	**	-۰/۳۰	**	-۰/۳۰
مهاجرت طول عمر				
بومی(مرجع)				
مهاجر	*	۱/۴۰	*	۱/۳۰
مهاجرت اخیر				
بله(مرجع)				
خیر				
سطح تحصیلات				
کار دانی(مرجع)				
کارشناسی				
کارشناسی ارشد				
دکتری				
رشته تحصیلی				
علوم تربیتی(مرجع)				
علوم انسانی و هنر				
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق				
علوم، ریاضیات و محاسبات				
مهندسی، تولید و ساخت				
کشاورزی و دامپزشکی				
بهداشت و رفاه				
خدمات				
مقدار ثابت	**	۸/۳۸	**	۱۷/۶۲
درصد درستی	۸۵/۶		۸۵/۷	
Chi-square	۱۲/۱۳		۱۲/۱۰	
-۲L.log likelihood	۲۰۱۴/۲۸		۱۹۵۷/۷۷	
Nagelkerke R Square	۰/۱۹		۰/۲۰	

**= معنی داری در سطح ۰/۰۱

*= معنی داری در سطح ۰/۰۵

متغیرهای جمعیتی به‌تنهایی و بدون تأثیر سایر متغیرها ۱۹/۰ درصد از تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی می‌کند در حالی‌که در مدل ۲ که متغیرهای اجتماعی وارد مدل شده و اثر تمامی متغیرها بر متغیر وابسته سنجیده می‌شود ۰/۲۰ درصد تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی کرده است. نتیجه این‌که تأثیر متغیرهای جمعیتی بر احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی شهر تهران بیش از متغیرهای اجتماعی است و متغیرهای جمعیتی متغیرهای مهم‌تری در مقایسه با متغیرهای اجتماعی هستند.

جدول ۵ احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان مرد آموزش عالی شهر تهران را پیش‌بینی می‌نماید. طبق نتایج جدول ۵، در مدل ۱، متغیرهای جمعیتی (سن، وضع تأهل، مهاجرت طول عمر و مهاجرت اخیر) وارد شده‌اند. بعضی از سطوح مربوط به متغیر سن و وضع تأهل در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار شده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، فارغ‌التحصیلان مرد ۳۰-۳۴ ساله ۳/۵ برابر مردان ۲۰-۲۴ ساله احتمال اشتغال بیشتری را دارا می‌باشند. به لحاظ وضع تأهل فارغ‌التحصیلان مرد هرگز ازدواج نکرده ۰/۲ برابر مردان همسر دار احتمال اشتغال دارند. بر این اساس مردانی که در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله بوده و دارای همسر می‌باشند نسبت به مردانی که در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال بوده و هرگز ازدواج نکرده‌اند احتمال اشتغال بیشتری دارند. متغیر مهاجرت طول عمر در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار شده است به طوری که احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان مهاجر حدود دو برابر فارغ‌التحصیلان بومی است. در مدل ۲، متغیرهای اجتماعی وارد مدل شده است. هیچ یک از سطوح مربوط به متغیر یاد شده در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار نشده است. به عبارت دیگر سطح تحصیلات و رشته تحصیلی مردان احتمال وقوع اشتغال را تغییر نداده است.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی تاثیر متغیرهای منتخب بر احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی مردان شهر تهران

مدل ۲		مدل ۱		متغیرهای مستقل
sig	Ex(B)	sig	Ex(B)	
				سن
	۱/۳۶		۱/۴۰	۲۰-۲۴ (مرجع)
**	۳/۲۳	**	۳/۵۰	۲۵-۲۹ ساله
				۳۰-۳۴ ساله
				وضعیت تاهل
	۰/۶۶		۰/۶۸	همسر دار (مرجع)
**	۰/۲۰	**	۰/۲۲	بی همسر بر اثر طلاق
				هرگز ازدواج نکرده
				مهاجرت طول عمر
*	۱/۷۹	**	۱/۸۴	بومی (مرجع)
				مهاجر
				مهاجرت اخیر
	۰/۷۶		۰/۸۰	بله (مرجع)
				خیر
				سطح تحصیلات
	۱/۱۳			کار دانی (مرجع)
	۰/۸۳			کارشناسی
	۶/۲۹			کارشناسی ارشد
				دکتری
				رشته تحصیلی
	۲/۶۲			علوم تربیتی (مرجع)
	۳/۵۲			علوم انسانی و هنر
	۲/۵۴			علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق
	۳/۲۵			علوم، ریاضیات و محاسبات
	۱/۳۲			مهندسی، تولید و ساخت
	۱/۳۵			کشاورزی و دامپزشکی
	۲/۶۵			بهداشت و رفاه
				خدمات
	۴/۸۹	**	۱۳/۴۵	مقدار ثابت
	۹۰/۰		۹۰/۱	درصد درستی
	۱۲/۹۲		۹/۹۳	Chi-square
	۸۶۹/۳۰		۸۹۷/۳۷	-۲Log likelihood
	۰/۲۱		۰/۱۹	Nagelkerke R Square

** = معنی داری در سطح ۰/۰۱

* = معنی داری در سطح ۰/۰۵

در مدل رگرسیون لجستیک مردان نیز (جدول ۵) متغیرهای جمعیتی به تنهایی و بدون تأثیر سایر متغیرها ۱۹/۰ درصد از تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی می‌کند در حالی که در مدل ۲ که اثر تمامی متغیرها بر متغیر وابسته سنجیده می‌شود ۲۱/۰ درصد تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۶ احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی زن شهر تهران را با توجه به متغیرهای منتخب پیش‌بینی می‌نماید.

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی تأثیر متغیرهای منتخب بر احتمال اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی زنان شهر تهران

مدل ۲		مدل ۱		متغیرهای مستقل
sig	Ex(B)	sig	Ex(B)	
				سن
==	۲/۸۱	==	۲/۶۰	۲۰-۲۴ (مرجع)
==	۵/۷۹	==	۵/۹۱	۲۵-۲۹ ساله
				۳۰-۳۴ ساله
				همسر دار (مرجع)
	۲/۲۹		۲/۲۲	بی همسر بر اثر طلاق
				تجربه فرزندآوری
				دارد (مرجع)
*	۱۲/۰۳	*	۸/۹۵	ندارد
				۰ فرزند (مرجع)
*	۸/۸۹		۶/۲۲	۱ فرزند
*	۱۱/۰۸	*	۹/۴۵	۲ فرزند
	۱۰/۸۴		۹/۸۲	۳ فرزند و بیشتر
				بومی (مرجع)
	۱/۲۴		۱/۴۰	مهاجر
				بله (مرجع)
*	۲/۱۹		۱/۸۰	خیر
				کار دانی (مرجع)
	-۰/۸۰			کارشناسی
	۲/۸۷			کارشناسی ارشد
	۹/۵۸			دکتری
				علوم تربیتی (مرجع)
	-۰/۰۰			علوم انسانی و هنر
	-۰/۰۰			علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق
	-۰/۰۰			علوم، ریاضیات و محاسبات
	-۰/۰۰			مهندسی، تولید و ساخت
	۲/۲۲			کشاورزی و دامپزشکی
	-۰/۰۰			بهداشت و رفاه
	-۰/۰۰			خدمات
	۱/۹۹		۰/۱۹	مقدار ثابت
	۸۹/۸		۸۹/۸	درصد درستی
	۶/۵۶		۵/۷۹	Chi-square
	۲۴۲/۸۷		۳۷۷/۲۶	-۲ Log likelihood
	-۰/۱۰		-۰/۰۸	Nagelkerke R Square

== معنی داری در سطح ۰/۰۱

* معنی داری در سطح ۰/۰۵

بر اساس نتایج منعکس در جدول ۶، در مدل ۱ متغیرهای جمعیتی (سن، وضع تأهل، تجربه فرزندآوری، تعداد فرزندان، مهاجرت طول عمر و مهاجرت اخیر) وارد شده‌اند. متغیر سن، تجربه فرزندآوری و بعضی از سطوح مربوط به متغیر تعداد فرزندان در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی دار شده است. همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، زنان فارغ التحصیل ۲۵-۲۹ ساله ۲/۶ برابر و زنان ۳۰-۳۴ ساله حدود ۶ برابر زنان فارغ التحصیل ۲۰-۲۴ ساله احتمال اشتغال بیشتری را دارا می‌باشند؛ به عبارت دیگر، هر چه سن زنان فارغ التحصیل افزایش می‌یابد احتمال اشتغال آنان نیز بیشتر می‌شود. زنان فارغ التحصیلی که تجربه فرزندآوری نداشته‌اند حدود ۹ برابر زنان فارغ التحصیلی که تجربه فرزندآوری داشته‌اند، احتمال اشتغال

دارند، همین‌طور زنان فارغ‌التحصیلی که صاحب دو فرزند هستند حدود ۹/۵ برابر زنان فارغ‌التحصیلی که فرزندی ندارند، احتمال اشتغال دارند. نتایج مدل ۲ در این جدول حاکی از آن است که هیچ یک از سطوح مربوط به متغیر سطح تحصیلات و رشته تحصیلی در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار نشده‌اند. تنها متغیر سن، تجربه فرزندآوری، تعداد فرزندان و مهاجرت اخیر در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود زنان فارغ‌التحصیل ۲۵-۲۹ ساله ۲/۸ برابر و زنان ۳۰-۳۴ ساله ۵/۷ برابر زنان فارغ‌التحصیل ۲۰-۲۴ ساله احتمال اشتغال بیشتری را دارا می‌باشند. زنان فارغ‌التحصیلی که تجربه فرزندآوری نداشته‌اند ۱۲ برابر زنان فارغ‌التحصیلی که تجربه فرزندآوری داشته‌اند، احتمال اشتغال دارند، همین‌طور زنان فارغ‌التحصیلی که دارای ۱ فرزند هستند ۸/۸ برابر و زنان فارغ‌التحصیلی که دارای ۲ فرزند هستند بیش از ۱۱ برابر زنان فارغ‌التحصیلی که فرزندی ندارند، احتمال اشتغال دارند. به لحاظ مهاجرت اخیر زنان فارغ‌التحصیلی که طی ده سال گذشته (۱۳۷۵-۱۳۸۵) مهاجرت نداشته‌اند بیش از ۲ برابر زنان فارغ‌التحصیلی که مهاجرت داشته‌اند احتمال اشتغال بیشتری دارند.

همان‌طور که در مدل رگرسیون لجستیک زنان در جدول ۶ مشهود است، متغیرهای جمعیتی به تنهایی و بدون تأثیر سایر متغیرها ۰/۸ درصد از تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی می‌کند در حالی که در مدل ۲ که اثر تمامی متغیرها بر متغیر وابسته سنجیده می‌شود ۰/۱۰ درصد تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی می‌کند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان ۲۰-۳۴ ساله آموزش عالی شهر تهران با تأکید بر عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن است. بدون شک علل و عوامل مذکور را نمی‌توان به عنوان تنها عوامل مرتبط با مسئله اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی قلمداد کرد و نقش سایر علل به خصوص علل و عوامل اقتصادی را نادیده گرفت، لیکن در این مقاله با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیتی اجتماعی که قابلیت استخراج از فایل اطلاعات سرشماری ۱۳۸۵ را داشت، مورد استفاده قرار گرفت و سپس به معرفی تئوری‌هایی که بیشترین کاربرد و تبیین‌کنندگی را در توضیح متغیرهای موجود داشتند، پرداخته شد. در این مطالعه، از روش تحلیل ثانویه اطلاعات برای بررسی متغیر وابسته بهره گرفته شده و از ۲ درصد داده‌های خام سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استفاده شده است. حجم جامعه آماری تحقیق حاضر، ۲۸۹۴ نفر است که شامل کلیه فارغ‌التحصیلان ۲۰-۳۴ ساله فعال

اقتصادی آموزش عالی شهر تهران است.

یافته‌های این پژوهش در بخش توصیفی حاکی از آن است که بیشتر فارغ‌التحصیلان مربوط به مقطع کارشناسی بوده، حدود ۴۹ درصد فارغ‌التحصیلان مرد در رشته مهندسی، تولید و ساخت و بیش از ۲۸ درصد فارغ‌التحصیلان زن در رشته علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق فارغ‌التحصیل شده‌اند. حدود ۸۵ درصد فارغ‌التحصیلان شاغل مزد و حقوق بگیر بخش عمومی و خصوصی هستند. مردان به لحاظ وضع شغلی شرایط بهتری را دارا می‌باشند برای مثال مردانی که کارفرما هستند بیش از ۵ برابر زنان هستند. زنان فارغ‌التحصیل بیشتر در بخش آموزش حضور دارند. به عبارت دیگر زنان از تنوع فرصت‌های شغلی نیز به مراتب کمتر از مردان برخوردارند زیرا همان درصد ناچیز شاغلان زن نیز عمدتاً در چند گروه معدود فعالیت شغلی، یعنی آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی اشتغال دارند.

مردان بیش از زنان مهاجرت داشته‌اند. مردان بیشتر به دلیل کار و زنان بیشتر به دلیل پیروی از خانوار مهاجرت داشته‌اند. بیش از ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان زن ازدواج کرده، تجربه فرزندآوری داشته و بیش از ۴۷ درصد آنان دارای یک الی دو فرزند می‌باشند، و میانگین فرزندان در حال حاضر زنده آنان برابر با ۰/۴ است.

نتایج وضعیت اشتغال (جدول ۳) نشان داد که در مورد فارغ‌التحصیلان مرد بین تمامی متغیرهای مستقل و میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان رابطه معنی‌داری وجود دارد در حالی که در مورد فارغ‌التحصیلان زن به جز سه متغیر مهاجرت اخیر، تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان بین تمامی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر بین سن فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. به این صورت که با بالا رفتن سن بر تعداد فارغ‌التحصیلان شاغل افزوده می‌شود. بین وضع تأهل فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد به نحوی که فارغ‌التحصیلانی که بی‌همسر بر اثر فوت همسر بوده‌اند بیش از سایر گروه‌ها شاغل هستند که این امر می‌تواند گویای این واقعیت باشد که این افراد بیش از سایر گروه عهده‌دار مسئولیت‌های زندگی هستند. بین سطح تحصیلات فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، مطابق نظریات مرتبط با سرمایه انسانی هر چه سطح تحصیلات بالاتر رود احتمال اشتغال افزایش می‌یابد؛ همین‌طور بین رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان و اشتغال آنان رابطه معنی‌دار وجود دارد به طوری که فارغ‌التحصیلان زنی که رشته علوم تربیتی را دنبال کرده‌اند و فارغ‌التحصیلان مردی که رشته علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق را دنبال کرده‌اند بالاترین میزان اشتغال را دارا هستند.

از نظر مهاجرت طول عمر فارغ‌التحصیلان مهاجر وضعیت اشتغال بهتری نسبت به فارغ‌التحصیلان بومی دارند. مطابق نظریه سرمایه‌انسانی و مطالعات تودارو (۱۳۸۳) و کوینلن (۲۰۰۵) می‌توان این‌گونه استدلال کرد که، افراد با تحصیلات بیشتر برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر اقتصادی، آموزشی و... احتمال بیشتری دارد که مهاجرت کنند بنابراین احتمال اشتغال بیشتری نسبت به فارغ‌التحصیلان بومی خواهند داشت. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که بین مهاجرت طول عمر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، به گونه‌ای که فارغ‌التحصیلان مهاجر وضعیت اشتغال بهتری دارند، تأیید می‌شود. در صورتی که بین مهاجرت اخیر فارغ‌التحصیلان زن آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود ندارد. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که این افراد مهاجر در جامعه مقصد با از دست دادن روابط خویشاوندی حمایت‌کننده، کمتر می‌توانند برای اشتغال اقدام کنند (توماس، ۲۰۰۶).

نتایج تحلیل چندمتغیره که با استفاده از روش رگرسیون لجستیک انجام گرفت، نشان داد فارغ‌التحصیلان مرد در مقایسه با فارغ‌التحصیلان زن احتمال اشتغال به مراتب بیشتری دارند. به عبارت دیگر همان‌گونه که در نظریات مربوط به جنسیت اشاره شد بین جنسیت فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین صورت که مردان در مقایسه با زنان وضعیت اشتغال بهتری داشته و بیکاری زنان بیش از دو برابر مردان است. فارغ‌التحصیلان ۳۵-۴۹ ساله بیش از سایر گروه‌های سنی احتمال دارد که شاغل باشند. به بیان دیگر در سن میانی (سن اوج فعالیت)، احتمال اشتغال بالا خواهد رفت، در مورد فارغ‌التحصیلان زن نیز می‌توان اذعان داشت که، زنان در سنین جوانی به منظور تحصیلات و مشغولیت‌هایی که برای تشکیل خانواده و حتی بچه‌دار شدن دارند، کمتر فرصت ورود به بازار کار را پیدا می‌کنند ولیکن با بالا رفتن سن با فراغ‌بال بیشتری به بررسی فرصت‌های شغلی در بازار کار می‌پردازند، بنابراین اشتغال بیشتری دارند (کولیک، ۲۰۰۰).

به لحاظ مهاجرت اخیر زنان فارغ‌التحصیلی که طی ده سال گذشته (۱۳۷۵-۱۳۸۵) مهاجرت نداشته‌اند بیش از ۲ برابر زنان فارغ‌التحصیلی که مهاجرت داشته‌اند احتمال اشتغال بیشتری دارند. از نظر رشته تحصیلی زنان فارغ‌التحصیل رشته علوم تربیتی در مقایسه با زنان فارغ‌التحصیل رشته علوم انسانی و هنر احتمال اشتغال به مراتب بالاتری را دارا هستند. اشتغال بالا در رشته علوم تربیتی به خاطر ماهیت این رشته است. علوم تربیتی بر اساس طبقه‌بندی مرکز آمار شامل رشته‌های نظیر معلمی (دبیری) و کارمندی آموزش و پرورش می‌شود و به همین دلیل بالاترین میزان اشتغال را بین رشته‌های تحصیلی مختلف

به خود اختصاص داده است. به‌طور کلی در هر سه مدل رگرسیون لجستیک، متغیرهای جمعیتی درصد بیشتری از تغییرات اشتغال فارغ‌التحصیلان را پیش‌بینی می‌کنند و متغیرهای مهم‌تری در مقایسه با متغیر اجتماعی هستند.

تحولات ایجاد شده در ساختار اجتماعی-فرهنگی چون کاهش نرخ باروری، افزایش بهداشت و امید به زندگی، افزایش پوشش تحصیلی و دستیابی بالاتر به آموزش باعث افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شده است. اقتصاد کشور با ساختار فعلی قادر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، در همه عرصه‌های فعالیت برای فارغ‌التحصیلان نیست. تبعیض شغلی به همراه محدودیت تنوع شغلی در میان زنان دارای آموزش عالی، ویژگی خاصی را به بازار کار زنان تحصیل کرده بخشیده است که لازم است سیاست‌گذاران کشور برای رفع این معضلات اقدامی اساسی انجام دهند. البته این نکته را باید در نظر گرفت که توقعات و آرزوهای شغلی فارغ‌التحصیلان، باعث شده است که اکثراً متقاضی مشاغل اداری باشند و به مشاغل یدی تن در ندهند (کاظمی پور، ۱۳۸۵). این نگرش نسبت به کار در میان فارغ‌التحصیلان، ریشه‌های عمیقی در ساختار اجتماعی دارد و به‌سادگی نمی‌توان آن را از بین برد. تحصیلات تنها در صورتی باعث رشد اقتصادی بیشتر می‌شود که از افراد تحصیل کرده در جایی که ظرفیت آن‌ها ایجاب می‌کند، استفاده شود.

منابع

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰)، «مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵، صص ۴۳-۶۰.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش.
- امینی، ثریا (۱۳۸۳)، «اشتغال زنان برای رفع موانع»، هفته‌نامه فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۷۱.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۳)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، (ترجمه غلامعلی فرجادی)، تهران: انتشارات کوهسار، چاپ سیزدهم.
- علیزاده، محمد (۱۳۷۵)، وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و فنی حرفه‌ای، در ایران، طرح جامع تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص کشور، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۵)، «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۲۰-۴۲.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۷)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، تهران، انتشارات فرهنگ صبا.
- کیالاشکی، علاء‌الدین (۱۳۷۲)، بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان علوم اجتماعی دانشگاه تهران طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

گلستانی، ریحانه (۱۳۸۹)، شناخت عوامل اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر اشتغال زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

محمدخانی، خدیجه (۱۳۸۲)، بررسی روند تحولات بازارکار با تأکید بر وضعیت فعالیت و اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در استان‌های مختلف کشور طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مختاری‌پور، مرضیه و سیدعلی سیادت (۱۳۸۶)، «تأثیر عوامل اقتصادی بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، تابستان ۱۳۸۶.

مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.

مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- Caspi, A., B. R. Entner Wright, T. E. Moffitt, and P. A. Silva (1998). "Early Failure in the Labor Market: Childhood and Adolescent Predictors of Unemployment in the Transition to Adulthood", *American Sociological Review* 63 (3): 424-451.
- Hashimoto, M and R. A. Miller (1997), "How Do Training and Early Labour Market Experience Affect the Economic Well-being of Youths?" Mimeo, Ohio State University.
- Kulik, L. (2000), Women Face Unemployment: A Comparative Analysis of Age Group, *Journal of Career Development*, 27 (1): 15-33.
- Miller, P. W. (1998), Youth Unemployment: Does the Family Matter? *Journal of Industrial Relations*, 40 (2): 247-276.
- Quinlan, R. J. (2005), Kinship, Gender & Migration from a Rural Caribbean Community, *Migration Letters*, 2 (1): 2-12.
- Thomas, Kevin, J. A (2006), Recent Childbearing and The search for Employment: How do Migrants Differ? Los Angeles, Population Association of America: 2006 Annual Meeting Program.